



۲۰۱۶/۰۲/۰۵



داکتر ح پدري واحد

نيويارک تايمز - آسيا پاسيفيک

افشای یک راز افغان و پایان یک دوره



مولاگل بطرف چپ، همراه با برادرش در نشانه گذاری محل در زمین های ایشان در نزدیکی کابل، جائیکه یک رهبر افغان و خانواده وی بعد از کودتاه سال 1978 به قتل رسیدند، دفن گردیده بودند. لنزی آریو برای نیویارک تایمز نوشته: کارلوتا گال 31 جنوری 2009

خواجه غار افغانستان - به یک افسر جوان نظامی، امر داده شد که اجساد 16 تن را در آن شب سال 1978 دفن کند. آن افسر بیدار کوشش نمود تا موقعیت آن محل بی نشان را به خاطر بسپارد و با خاموشی شروع نمود به شمردن قدمهای خود تا احاطه سرک.

وی با چند تن عساکر، اولین رئیس جمهور سردار محمد داود خان و اعضای خانواده او را دفن نمودند و این قتل به اساس یک کودتاه کمونستی و سرآغاز روزهای بی ثبات است که باعث سه دهه جنگ در افغانستان گردید که تا هنوز دوام دارد و هر خانواده افغان از آن متاثر گردیده است.

سی سال طول کشید تا با آزادی نسبی، زیر اداره رئیس جمهور کرزی افسر سابق اردو، پاچامیر، این راز خود را افشا نماید و با کمک یک شاهد دیگر، دولت توانست تا اجساد رئیس جمهور سابق و خانواده وی را تثبیت نموده و برای تدفین رسمی در چند هفته آینده آمادگی اتخاذ گردید.

شاغلی داود، مؤسس جمهوریت افغانستان و شخصیت بزرگ در اعمار و پیشرفت افغانستان کشور شمرده میشود. وی پسر کاکای خود محمد ظاهر شاه، آخرین پادشاه افغانستان را در سال 1973 خلع نمود، ولی پنج سال بعد، قتل وی باعث بی ثباتی و خونریزی در مملکت گردید.

"اگر از هر افغان پرسیده شود که این همه جنگ و بی ثباتی چه وقت آغاز گردید، البته که بعد از کشته شدن شاغلی داود، و این بود نقطه سرآغاز." به قول نادر نعیم، 43 ساله، عضو خانواده سلطنتی و نواسه شاغلی داود: "آخرین روزیکه افغانستان آزاد بود مطابق است به روز 27 اپریل سال 1978".

18 عضو خانواده داور همراه با تعدادی از افسران و همکاران وی، در آن شب در قصر ریاست جمهوری به قتل رسیدند. آنان را در تایکس شب در بیرون از شهر دفن کردند و بصورت دقیق هیچکس نفهمید در کجا؟

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

قربانیان متشکل اند از خانم رئیس جمهور و خواهر ایشان، نعیم خان برادر ایشان، سه پسر وی، داماد و عروس وی همراه با چهار نوه های وی که یکی از آنان صرف 18 ماه عمر داشت. راپور دقیق این کشتار را شاعلی نعیم چنین گزارش میدهد که همه خانواده بین ساعات چهار و پنج صبح، به تاریخ 28 اپریل 1978 به قتل رسیدند. بعد از یک روز جنگ شدید، یک بلوک مشر بنام امام الدین با یک تولی عساکر داخل قصر شدند تا شاعلی داود را دستگیر نمایند. رئیس جمهور از رفتن با وی ابا ورزید و با تفنگچه بسوی عساکر فیر نمود. عساکر یاغی در مقابل با باران گلوله به جواب پرداختند.

ترور رئیس جمهور، بیست ماه خونباران بی مهار بوسیله کمونیستها و بالاخره باعث ده سال اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیز شوروی انجامید و باعث کشتار و ناپدید شدن صدها هزار افغان گردید.

اکثریت قربانیان در گور های نامشهود نزدیک فیزگاه بلچرخ، در ناحیه شرقی پایتخت (کابل)، دفن شدند. این همان محلی ایست که دولت تحقیقات خود را در تابستان سال گذشته با همکاری دو شاهد کهنسال آغاز کردند. یکی از آنان پاچامیر یک تولیمشر جوان که قوماندان تولی لوژستیک که در آن شب به وی امر داده شد تا یک لاری پر از اجساد را در نزدیک مرکز وی در بلچرخ دفن نماید.

وی امروز یک جنرال متقاعد است که در جریان یک مصاحبه به خاطر میآورد که با افسران همکارش، اجساد را در یک سنگر تانک به خاک سپردند. نامبرده اظهار داشت که روی اجساد بلند شد تا بتواند به اساس سنت مسلمانان، چهره های آنان را رو به مکه برگردانند. وی اظهار داشت که " من آنان را شناختم، ولی میدانستم که خانواده داود خان هستند. " او گفت، بخاطر میآورد که یکی از رانندگان به وی گفت که او برای مدتی طولانی ای در خدمت این خانواده بود. یکی از رهبران کودتا جگرن محمد اسلم وطنجار در جریان تدفین حضور داشت.

زمانی به وی گفته شد که با بیل روی آنان خاک انداخته شود. شاعلی میر اول تریال موتر لاری را روی اجساد هموار نمود و بعداً وی 90 قدم را تا سرک شمار نمود تا بتواند محل تدفین را بخاطر نگهدارد.

یک شب بعد به ضابط وی امر شد تا اجساد 13 تن دیگر را در قبر نزدیک و جداگانه دفن کند.

بزودی شاعلی میر از پایتخت فرار میکند و در کوه ها با مقاومت ضد کمونیست ها شامل میشود. و این سالهای اخیر بود که وی با فامیل داود در تماس میشود و قصه خود را بیان میکند.

یک دهقان محل مولا گل، 16 ساله آنزمان که چند روز بعد از کودتا وقتی روی زمینهای فامیل خودش با عساکر روبرو میشود، او نیز ازین راز آگاه میگردد و مادر خود را مطلع میسازد. مادر وی ازش تقاضا مینماید تا محل قبر را با سنگ ها علامه کزاری کند و بیزق شهید را روی آن نصب نماید. وی بعد از سه ماه وقتی عساکر آن منطقه را ترک میگویند، این کار را اجرا مینماید.

این عمل وی باعث گردید تا هیأت تحقیق بخانه گل بروند. این نو جوان، بعداً به کوه های مقاومت با مجاهدین میپیوندد و خانواده اش به پاکستان فرار میکنند.

شاعلی گل این راز را تا 6 ماه قبل تا دیدار با هیأت تحقیق و جستجوی دولت در خواجه غار با خود نگهداشت و بعدش آنرا به محل رهمانی نمود.

سردار محمود غازی، یک نواسه دیگر شاعلی داود در وقت آغاز حفريات در محل موجود بود. ایشان از شاعلی میر خواستند تا از خانه خود در خوست جهت کمک بیاید. جنرال آخرین کلید را اذانه داشتند.

سردار محمود غازی گفتند: " ما همه بالای تپه ایستاده بودیم " شاعلی میر گفت: این جاست و به آن قطعه زمینی اشاره نمود که دو روز بعد هیأت تحقیق آنرا پیدا کردند.

ماه ها طول کشید تا بقیه تشخیص شوند. به اساس اظهارات داکتر فیض الله کاکر، معین وزارت صحیه و رئیس هیأت تحقیق، بعد از سالیان طولانی، تریالی را که شاعلی میر به خاطر داشت و با آن روی اجساد را پوشانیده بود، بصورت کلی از بین رفته بود ولی صرف حلقه های آن باقیمانده بود.

اکثر لباس ها فرسوده شده بودند. اعضای خانواده توانستند عایشه خواهر رئیس جمهور را با کفش های ارتوپدی تشخیص دهند. داکتر کاکر گفت، که پسر رئیس جمهور عمر، با کلیهای بند پطلونی که وی استعمال میکرد، شناخته شد.

وی اظهار داشت که بالاخره شاعلی داود را با قالب دندانهای وی و قرآنی طلائی کوچک که ایشان در جیب کرتی شان داشتن، تشخیص نمودند.

به قرار اظهارات داکتر کاکر، یکی از اعضای دفتر رئیس جمهور، جنرال انورشاه خان گفت، قرآن از شاعلی داود است و از طرف پادشاه عربستان سعودی به وی داده شده بود.

هیأت تحقیق همچنان با غلام درویش خدمتگار رئیس جمهور مصاحبه نمودند. او که دایم لباس های وی را می شست. شاعلی درویش شهادت داند که رئیس جمهور قرآن را در جیب کرتی خویش با خود میداشت.

داکتر کاکر اظهار نمود که از روی جسد ایشان، هیأت معلوم کردند که رگبار از مرمی ها بر بدن رئیس جمهور اصابت کرده بود. وی همچنان گفت که دو سوراخ مرمی در پیراهن پسر وی عمر نیز موجود بود.

د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

دو عضو خانواده وی شاعلی داود، نواسه و خیاشنه وی که در آنروز زخمی شده بودندو بعداً در شفاخانه وفات نمودند، تا هنوز نا معلوم مانده اند. باقی خانواده همه مبحوس بودند و بعداً تبعید گردیدند. آنها بعد از سال 2001 بعد از سقوط طالبان به افغانستان برگشتند.

و حالا جنازه شاعلی داود نه تنها که خاتمه یک فصل خونین تاریخ افغانستان خواهد بود؛ همچنان راحتی خواهد بود برای بقیه اعضای خانواده وی که جان بسلامت برده اند. بعضی از اعضای خانواده وی برای سی سال زخمی شده بودند. شاعلی غازی و شاعلی نعیم نواسه اظهار داشتند که امیدوارند این تدفین راه را برای مصالحه ملی باز کند و حتی هیأت تحقیق به جستجوی واقعیت‌های جنایاتی که دولت های افغان که بعد از سال 1978 مرتکب شده اند آغاز نماید. "ما برای انتقام نیامده ایم" شاعلی غازی اظهار نمودند. پدر وی محمد نظام، داماد رئیس جمهور و عضو وزارت امور خارجه، همراه با پدر کلان وی کشته شدند. "واقعیت ها باید روشن گردد و پیش مردم افغانستان گذاشته شود." برای خانواده این دست‌آورد باعث آرامش گردیده است. شاعلی غازی گفتند: "بحیث یک مسلمان، وقتی ما گوری داشته باشیم که برایش دعا کنیم، لذا وقتی ما آنرا داریم، ما آرامش داریم".

تبصره:

سراغاز عدالت اجتماعی، کشاندن قاتلین و مجرمین نزدیک چهار دهه اخیر به محکمه جهانی، ارزیابی و گرامیداشت آرزوهای به خون خفته شهدای راه آزادی و عملکرد به آن خطوط و پلان ها، یگانه راهیست که بتواند استقلال از دست رفته ما را حاصل کند و افغانستان عزیز را ازین بدبختی نجات دهد.

شهید محمد داود نه تنها که اولین رئیس جمهور، اولین شهید جهاد افغانستان و مهمترین شخصیت در تاریخ کشور است، بلکه وی سپاهی و مدافع استقلال وطن هم بودند.

آنانیکه آن شهید بزرگوار را از نزدیک میشناسند روی به قبله دارند، میدانند که شهید محمد داود کم سخن میگفتند و زیاد می اندیشدند. در آغاز کودتاه 7 ثور وی با دائر نمودن مجلس وزرا مسوولیت تمام را برعهده خود برداشت و به آنها اعلام داشت که تصمیم هر یک با خود ایشان خواهد ماند و خود در سنگر دفاع از حق پیش قدم گردید دشمن اسلام و وطن را که برای دستگیری وی آمده بودند از پا در آورد. و آنانیکه ادعا دارند که: وی خوابی دیده باشد و آنرا با کسی در میان گذاشته باشد و یا که گفته باشد که وطن را چون تخمی به زمین میزنم و یا ادعای که به سفارتی قدم بزند و یا اینکه انتحار کرده باشد، اینها همه جزتلاش های غرض آلودی برای ترور شخصیت آن شهید محرکه چیزی دیگری نیست و نمیتواند باشد. وی نه به دیار دیگری فرار نمود، نه به نمایندگی ملل متحد پناه گزید و نه به طیاره اغیار به سرزمینی خود آورده شد. وی با عقیده و عزم متین جز به خدا، به کسی تسلیم نگردید.

به اساس راپور دکتوران طب عدلی شناخت جسد این راد مرد به قرآنی بود که دایم در جیب کرتی با خود داشتند و نشانه های چندین مرمی ایکه به ایشان اصابت نموده بود. این است اصل حقیقت.

در پورتال افغان جرمن آنلاین از سالها به اینطرف یک تعداد هواخواهان سلطنت که منافع خود را با آمدن جمهوریت از دست داده بودند همراه با عده محدودی از از بقایای احزاب بدبخت نام نهاد دوره ای بنام دیموکراسی، دست بهم داده اند تا اگر بتوانند لطمه ای بنام این شخصیت وارد نمایند، ولی غافل از آنند که صاحب قرآن در حقیقت ذاتی ایست بزرگتر از این امپراطوری های شرق و غرب (انه لا یدل من والیت. ولا یعز من عادیت. تبارکت ربنا و تعالیت. لک الحمد علی ما قضیت. و لک الشکر علی ما اعطیت)

جالب اینست که چشمان هواخواهان سلطنت کاملاً منکر دورانی اند که مردم علف میخوردند و اطفال شترین شانرا در ایستگاه های سرویس های شهری بفروش میرسانیدند و ان همه انسانهای که از گرسنگی جان میدادند.

هیچ جای شک نیست که هر حکومتی در جهان خالی از اشتباهات نیست و نبوده، ولی انکار کامل از عملکرد های مثبت یک زعیم ظلم است در حق وطن، در حق نسل های آینده و بالآخره در حق آن زعیمی که نشان انگشتان وی روی هر خشت افغانستان به وضاحت نمودار است.

آن دهه صرف نام نهاد، آن دوره کاهلی و مستی و انارشی که باعث رشد احزاب گردید، و آن احزاب چه چپ و چه راست، چه شرقی و چه غربی سیل از آتش و خون را در وطن ما جاری گردانید و تا هنوز به اتمام نگرانیده. سراغازین بدبختی از همان دهه بود که در جامعه ما فاصله بین غنی و فقیر به حدی رسید که یکی در عیش و دیگری به خوردن علف و فروش طفل خود مجبور گردید و جای تعجب و تاسف درین است که هنوز هم بقایای آنان به جرئت صدا بلند میکنند و انگاهیکه با منطق از جواب عاجز میشوند به عوض اینکه به فرموده های دانشمندان و استادان ما گوش فرا دهند، دو پا کرده برای خود پوشالی دیگری میسازند تا از دریچه دیگری سر بیرون کنند.

امروز که دشمنان اسلام و وطن با شمشیر دو لبه و زهرآلود خود اوضاع را آنقدر مکرر نموده که فرقی میان راست و دروغ، دوست و دشمن به مشکل دیده میشود، هم صاحب خانه صدا دارد که دزد آمد و هم دزد جواهرات صدا دارد که دزد آمد، و درین شرایط بس ناهنجار جز اینکه دست بسوی خدا داریم و به قرآن و ارشاد پیامبر چنگ زنیم، چاره دیگری پیش رو نمیبینیم. تکرار نخواهد بود که بگویم که ندانستن گناه است ولی دانستن حقیقت و انکار از آن در معنی کفر است.

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

این تبصره را با گفتار محترم مهاجر تمام میکنم که در بیانیه خویش در اولین یاد بود شهید محمد داود خان در لندن اظهار داشتند "برایند تمام این قضاوت ها و نگرش ها، راجع به شهید داود خان .قدر مسلم اینست که وی یک چهره ملی، یگ چهره پر افتخار، یک چهره پر غرور و سمبول تمام نمای خواسته ها، آرزو ها و ارمان های مردمش در افغانستان میباشد." و سلام

Gall, Carlotta. "An Afghan Secret Revealed Brings End of an Era." *The New York Times*. . The New York Times, 31 Jan. 2009. Web.

Saikal, Amin, Ravan Farhadi A. G., and Kirill Nourzhanov. *Modern Afghanistan: A History of Struggle and Survival*. London: I.B. Tauris, 2006. Print.

ضمیمه: لنک کلپ شفع عیار در مورد کودتاه میوندوال:

"0068 Hashim Maiwandwal By Shafie Ayar." *YouTube*. YouTube, 20 Oct. 2012. Web. 05 Feb. 2016.

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ